

Hermeneutical analysis of the relationship between religious texts and political contexts in the system of the Islamic Republic

Parviz Jamshidi Mehr ¹
Hamid Nassaj ^{2*}
Mohsen Davazdah Emami ³
Ali Ali Hosseini ⁴

Received on: 02/08/2020
Accepted on: 16/01/2021

Abstract

Islam is one of the religions based on fixed and sacred texts. It is natural that political systems derived from the school of Islam are also based on the interpretation of sacred texts. The question of this article is the interpretation of the Islamic Republic of Iran based on religious texts. And how does this interpretation differ from other religious governments derived from Islam? To answer this question, Skinner hermeneutics has been used; so, that pays attention to both the political context and the author's intentions, as well as to the ideological change necessary for the formation of a new political system. Religious texts and narrations emphasized the government of the Islamic Republic, the changes made in connection with the change in the interpretation of some verses, the position of power building in this change, the role of jurists and scholars in this field are among the concerns, which is dealt with the help of Skinner hermeneutics. Research findings show; that with the formation of the government of the Islamic Republic and the support of the power structure, the necessary conditions were created for the expansion of the expression of the virtues of the Ahl al-Bayt (AS). Religious texts were used to strengthen and establish a new ideology. Also, various religious ceremonies were used as a symbol of the change of the conventional norm. The position of jurists at the top of the pyramid of power has increased unprecedentedly compared to previous Shiite governments. This process led to the formation of new political thought and identity.

Keywords: Islamic Revolution, Political Jurisprudence, Religious Texts, Skinner, Hermeneutics.

1. PhD Student of Political Sciences, University of Isfahan (Email: parvizjamshidi1366@gmail.com)

2* . Associate Professor of Political Sciences, University of Isfahan.

(Corresponding Author: h.nassaj@ase.ui.ac.ir)

3 . Assistant Professor of Political Sciences, Isfahan University. (Email: gh.12emami@ase.ui.ac.ir)

4 . Associate Professor of Political Sciences, Isfahan University. (Email: a.alihosseini@ase.ui.ac.ir)

تحلیل هرمنوتیک نسبت متون دینی و زمینه‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

پرویز جمشیدی مهر^۱

حمید نساچ^{۲*}

محسن دوازده امامی^۳

علی علی حسینی^۴

چکیده

اسلام در زمره ادیانی قرار دارد که بر اساس متون ثابت و مقدسی شکل گرفته‌اند. طبعی است که نظام‌های سیاسی برآمده از مکتب اسلام نیز بر اساس تفسیر متون مقدس شکل می‌گیرند. پرسش این نوشتار آن است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس چه تفسیری از متون دینی شکل گرفته است. و این تفسیر چه تفاوتی با حکومت‌های دینی دیگر برآمده از اسلام دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، هرمنوتیک اسکینر مورد استفاده قرار گرفته است؛ تا هم به زمینه‌های سیاسی وهم قصد و نیت مولف و هم به تحول ایدئولوژیک لازم برای شکل‌گیری نظام نوین سیاسی توجه شود. متون دینی و روایات مورد تأکید در حکومت جمهوری اسلامی، دگرگونی‌های ایجاد شده در ارتباط با تغییر تفسیر برخی از آیات، جایگاه ساخت قدرت در این تغییر، نقش فقها و علماء در این زمینه از جمله دغدغه‌هایی است که به کمک هرمنوتیک اسکینر به آن پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و حمایت ساختار قدرت شرایط لازم برای گسترش بیان فضیلت‌های اهل بیت (ع) مهیا، متون دینی در جهت تقویت و تثبیت ایدئولوژی جدید به کار گرفته شد و همچنین مراسم‌های مختلف مذهبی به عنوان نمادی از تغییر هنجار مرسوم مورداستفاده قرار گرفت. جایگاه فقها در رأس هرم قدرت نسبت به حکومت‌های پیشین شیعی به نحو بی‌سابقه‌ای رو به فزونی نهاد. این فرایند خود موجب شکل‌گیری اندیشه و هویت سیاسی جدید گردید.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، فقه سیاسی، متون دینی، اسکینر، هرمنوتیک.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (parvizjamshidi1366@gmail.com) (صفحه ۲۸-۱)

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: h.nassaj@ase.ui.ac.ir)

۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (gh.12emami@ase.ui.ac.ir)

۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (a.alihosseini@ase.ui.ac.ir)

مقدمه

مسئله اصلی پژوهش این است که برخی از آیات قرآن و متون دینی در طول تاریخ و با توجه شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت به انحای مختلفی فهم و تفسیر شده‌اند. امام علی (ع) در روایت مشهوری می‌فرماید که «قرآن صامت است، آن را به نطق در آورید». این مقاله می‌کوشد؛ نحوه تحقق استنطاق قرآن در شرایط تاریخی معاصر ایران را بررسی نماید. به همین دلیل از روش هرمنوتیک، به‌ویژه هرمنوتیک اسکینر استفاده شده است. از مهم‌ترین تغییرات انقلاب اسلامی را که با توجه هرمنوتیک اسکینر می‌توان توضیح داد؛ تغییر ایدئولوژی یا هنجار مرسوم زمانه است. در همین رابطه در این نوشتار تلاش گردیده تا متون دینی خاصی را که در این تغییر ایدئولوژی توسط علماء و فقها با یاری جستن از ساخت قدرت به کار گرفته شده‌اند؛ مورد بررسی قرار داده و سیر تحول و تغییر تفسیر متفاوت آن‌ها را با توجه به زمینه‌های آن دوره روشن سازد. به همین علت مهم‌ترین دغدغه‌ای که این نوشتار دنبال می‌کند؛ این مطلب است که نقش نظام سیاسی را در تغییر تفسیر آیات قرآن و این متون تبیین کند و نشان دهد؛ آیات متفاوت، روایات و سایر متون دینی چگونه در مسیر خود با توجه شرایط روز و متناسب با ساخت قدرت فهم و تفسیر شده‌اند.

الف - چارچوب نظری

به‌طورکلی دانشمندان هرمنوتیک با بررسی‌های دقیق خود درباره تفسیر و فهم متون، به پنج مسئله اصلی پیش فهم مفسر، علایق و انتظارات هدایت‌کننده مفسر، پرسش‌های وی از تاریخ، تشخیص مرکز معنای متن و ترجمه متن در افق تاریخی مفسر که مقدمات تفسیر و فهم متون را تشکیل می‌دهند، توجه کرده‌اند (شبستری، ۱۳۷۵: ۱۶). درواقع، هرمنوتیک به‌عنوان یک روش، از تأویل متون مقدس آغاز می‌شود و با فقه اللغه نزدیکی بسیاری دارد. مجادلات میان کلیسای کاتولیک و جنبش پروتستان‌ها بر انحصاری بودن کلیسا در تأویل متون مقدس و تلاش پروتستان‌ها در خودبسندگی متن مقدس و روشنی و وضوح بنیادین آن، موجب پی‌ریزی بنیادهای هرمنوتیک شد. شلاپر ماخر اولین پژوهشگری بود که در صدد ساختن نظریه عام تأویل برآمد؛ نظریه‌ای که بتوان آن را در مورد متون غیرمذهبی نیز به کار گرفت. دیلتای نیز تلاش کرد؛ تا نشان دهد فهم انسان‌ها، فهم کلام فرهنگی آن‌هاست و این تنها شامل متون نیست؛ بلکه اشکال متنوع هنری و کنش‌ها (فرهنگ تاریخی به‌طور

عام) را نیز در برمی گیرد. به طور کلی دو رویکرد در هرمنوتیک وجود دارد که در پی دستیابی به هدف اصلی مؤلف از متن است که باعث شده نمایندگانی از هرمنوتیک کلاسیک و مدرن را در مقابل همدیگر قرار دهد. رویکرد سنتی که با اسم شلایر ماخر پیوند خورده است؛ قائل به وجود قصد و نیت گوهری مؤلف، جدای از متن و لزوم کشف آن به دست مفسر شد. درحالی که رویکرد مدرن به طور دقیق مخالف چنین فرایندی هستند و به خوانش های مختلف و متعدد از متن تأکید دارند (اکبری دهقان، ۱۳۹۷: ۴).

شلایر ماخر و ویلهلم دیلتای دو تن از اندیشمندانی بودند که اصول اولیه دانش تأویل شناسی را در قرن نوزدهم تدوین کردند. آنها معتقد بودند که یک معنای اصلی و فهم نهایی از اثر وجود دارد و وظیفه مفسر این است؛ تا با شناخت اثر ضمن بررسی نشانه‌های درون متنی و اصلاح روش تفسیر به معنای نهایی دست یابد. از طرف دیگر هرمنوتیک های فلسفی که با کسانی چون فردریش نیچه، هایدگر، گادامر و ریکور گره خورده است؛ به جای تلاش برای روشمند سازی شیوه فهم، به ماهیت فهم توجه کرده اند. از نظر آنها چیزی به نام فهم نهایی و نیت مؤلف مطرح نبوده و فهم در اساس چیزی است که در اندیشه مفسر شکل می گیرد. از این رو تأکید بر نقش مخاطب بوده و فهم هر مفسر ریشه در زمانه، جامعه، فرهنگ و تربیت وی دارد و این عوامل ذهن مفسر را درگیر خود خواهد کرد. از نظر گادامر دیدن گذشته برحسب گذشته با ماهیت فهم در تعارض است. بدون مراجعه به زمان حال هیچ فهمی صورت نمی پذیرد و زمان حال نیز از طریق نحوه دیدن و پیش برداشت های به ارث مانده از گذشته دیده و فهمیده می شود (بلایشر، ۱۹۸۴: ۲۶). در ادامه این فرایند هرمنوتیک نوین با نقش برجسته اریک هرش وجود دارد. هرش سعی دارد؛ تا قاعده‌ای وضع کند؛ تا ضمن توجه به روش فهم، به فهم نهایی اثر نیز دست یافت. به همین دلیل وی در تفسیر متن، دو برداشت مستقل را بیان می کند: اول اینکه معنایی از واژگان متن دریافت می شود و در مرحله بعد شواهد آن معانی در دورانی که اثر تفسیر شده، ارائه می شود. همچنین توضیح می دهد؛ معنای لفظی همواره ثابت بوده اما شواهد آن معنا در هر دوره‌ای تغییر می یابد (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۹۵).

اسکینر نیز از جمله اندیشمندانی است که توجه به هر دو بعد روش و زمینه را در روش هرمنوتیکی خویش به کار می گیرد. در واقع، اسکینر با استفاده از دیدگاه نومیالیستی ماکس وبر در تفسیر کنش های انسانی و دیدگاه ویتگنشتاین مبنی بر اینکه کلمات همان کنش ها هستند و همچنین با به کار بستن نظریه کنش گفتاری آستین به بررسی ایده‌ها و اندیشه سیاسی در طول تاریخ می پردازد.

وی در زمینه‌مندولوژی تاریخ، سیاست و علم معانی را ترکیب می‌کند. البته اسکینر محور اصلی این ترکیب را حوزه سیاست و نظریه‌پردازی سیاسی می‌داند و علم تاریخ و معانی را در خدمت آن قرار می‌دهد (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). همچنین به عقیده تولی، مفسر آرای اسکینر، تقریباً از همان ابتدا اثر اسکینر حول سه محور شکل گرفته است: تفسیر متون تاریخی، بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک، تحلیل روابط ایدئولوژی با کنش سیاسی تجلی‌بخش آن ایدئولوژی (tully:1988: 58). به طور کلی در فرایند تحلیل اسکینر پنج مرحله اصلی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داد؛ در اینجا مهم‌ترین پرسش‌های اسکینر برای درک متون دوره جمهوری اسلامی به ترتیب ارائه می‌شود.

۱- زمینه ایدئولوژیک

آنچه اسکینر در مرحله اول دنبال می‌کند این مطلب است که نویسنده در نوشتن متن نسبت به دیگر متون موجود، که زمینه ایدئولوژیک را شکل می‌دهند؛ چه کاری انجام می‌دهد یا انجام داده است؟ گرچه اسکینر در بحث هنر کلمات معتقد است؛ فقط بیان شفاهی واژه‌ها نیست که تأثیر عمیق و محسوس کننده‌ای بر مخاطب می‌گذارد؛ بلکه گاهی اوقات یک نقاشی می‌تواند بیشتر از ساعت‌ها سخنرانی و ویژگی‌ها و خصوصیات یک چیزی را توضیح دهد (Skinner, 2018: 6). وی مشکل رویکرد متن‌گرایی را این می‌داند که وجود یکسری مفاهیم ابدی و ازلی قلمداد شده که توجهی به زمینه تاریخی شکل‌گیری آنها نمی‌شود (Skinner, 1969: 13). در واقع تاریخ یک متن را از نظر هدف متن در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه به لحاظ منبع تاریخی به آن می‌نگرد که با استفاده از آن برای فهمیدن متن به هیچ وجه قصد گفتن ندارد و منبع تاریخی همه نیت و قصد متن را بیان نکرده و به هیچ وجه نمی‌توان همه آنچه را بیان کرده پیدا کنیم. زیرا تفاوت قصد فقط مربوط به هر متنی بطور انحصاری است (Gadamer, 2004: 325, 334). اسکینر معتقد است؛ با توجه به اینکه که بخش عمده‌ای از نوشته‌های تاریخی مدرن اولیه کاملاً عقیدتی بود؛ به این معنا که برای حمایت از عقاید خاصی به نگارش درآمده بود (Giannakopoulos, 2012: 6-18). فهم قصد و نیت اصلی نویسنده کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین نیاز به تفسیر در چارچوب نیاز به قابل فهم کردن متون برای خواننده است (skinner, 2004: 69). به همین دلیل اسکینر معتقد است؛ برای رسیدن و بازسازی معنای اصلی متن نباید نیت و انگیزه نویسنده را نادیده گرفت (Skinner, 2002: 96).

در همین راستا ابتدا به زمینه ایدئولوژیکی که منجر به تولید متون مرتبط با هنجار مرسوم شده

است؛ اشاره مختصری می‌شود. ایدئولوژی را در معنای ساده آن علم به عقیده یا عقیده‌شناسی معنا کرده‌اند (سروش، ۱۳۷۸: ۷۹). همچنین برخی از مهم‌ترین کارکردهای ایدئولوژی، حفظ و بازتولید روابط اجتماعی مبتنی بر سلطه، حفظ و بازتولید مشروعیت نهادهای برخاسته از ایدئولوژی و سوم اینکه تلاش برای حفظ و بازتولید هویت مخاطبان، همچنین حفظ همبستگی اجتماعی از دیگر کارکردهای ایدئولوژی قلمداد می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۳۶).

۱-۱- ایدئولوژی یا هنجار مرسوم زمانه

به نظر می‌رسد؛ مهم‌ترین هنجارهای مرسوم قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، برخاسته از تجددگرایی و اندیشه‌های مارکسیستی باشد. بنابراین در ادامه به طور مختصر به بررسی این هنجارها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- تجددگرایی

لازم به ذکر است؛ مدرنیته، براساس تحولاتی ظهور کرده است که در چند قرن اخیر در مغرب زمین روی داده است. تحولاتی مانند رنسانس، اصلاح دین، کشف آمریکا، اختراع فن چاپ، عقاید روشنگری، انقلاب فرانسه از مهم‌ترین آنها هستند. از ویژگی‌های این جریان هم می‌توان اعتقاد راسخ آن به افسون زدایی جهان، خود مختاری فردی انسان‌ها، عقلانیت خود بنیاد، ساختار خود نهاد یافته جامعه انسانی و... اشاره کرد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۸). به عبارت دیگر می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیته را عقل گرایی، استدلال گرایی، تجربه گرایی، انسان گرایی، سکولاریسم، فردگرایی و غیره دانست؛ درواقع اساس مدرنیته تغییر نگاه انسان به جهان و به خود اوست (گنجی، ۱۳۷۵: ۸). اندیشه‌های مدرن رهایی کامل انسان را در گرو تکامل علمی و دستاوردهای تکنولوژی و گسترش خرد باوری می‌دانستند؛ اما همه اینها نه تنها به آزادی و رهایی آدمی منجر نشد؛ بلکه به آنچه وبر خرد ابزاری خواند که نظارتی بیشتر بر شیوه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی است؛ انجامید (احمدی، ۱۳۷۳: ۳۲). در این نوع تفکر رفتار انسان زمانی از نظر اخلاقی مورد قبول واقع می‌شود که از نظر اقتصادی امکان بروز یافته و دارای قیمت و ارزش باشد؛ یعنی هر چیزی که سود آور باشد مورد توجه قرار می‌گیرد (برمن، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

بسیاری معتقدند؛ جنگ‌های ایران روس و پیامدهای آن را باید آغاز اندیشه‌های تجدید در ایران دانست. بدین صورت که در ابتدا ایرانیان مقیم قفقاز و ترکیه (آخوندزاده، طالبوف، میرزاآقاخان

کرمانی، زین العابدین مراغه ای) این اندیشه را به ایرانیان شناساندند. در دوره دوم از رویارویی با تجدد به دلیل جنگ جهانی اول و تحولات سیاسی در قفقاز و قلمرو عثمانی این فرایند ابعاد تازه ای یافت. البته جریان واقعی این رویارویی با حکومت رضا شاه و فعالیت نخبگان سیاسی و روشنفکری مانند محمد علی فروغی و سیدحسن تقی زاده است که سعی داشتند؛ آمیزشی میان دو فرهنگ غربی و ایرانی به وجود آورند (بهنام، ۱۳۸۲: ۱۹).

به هر حال، اندکی پس از امضای فرمان مشروطیت و با گذشت تقریباً پانزده سال، گفتمانی در عرصه سیاسی ایران ظهور یافت که متفاوت از گفتمان متجددین مشروطه بود. در این هنگامه و پس از کودتای ۱۲۹۹ و تکمیل آن با آرای مجالس پنجم و مؤسسان در سال ۱۳۰۴، رضاخان توانست؛ خود را به عنوان پادشاه ایران مطرح کند. اگر سلطنت قاجار بر سنت پادشاهی با تأکید بر نیروهای قبیله ای استوار بود؛ سلطنت رضاشاهی، پادشاهی اقتدارگرا مبتنی بر زمینه های شبه مدرنیسم تلقی می شود. به همین علت اساس شکل گیری این گونه دولت، برآمدن دولتی اقتدارگرا و نوساز بود. در واقع رضاشاه در پی آن بود؛ تا با خوانشی اقتدارگرایانه از مدرنیسم، کشور را با نگاهی به گذشته تاریخی شکوهمند خود، به پیش ببرد. بنابراین نقطه مرکزی ایدئولوژی دوره مذکور را «شاه» یا «مقام سلطنت» تشکیل می دهد. از دیگر نشانه های این هنجار مرسوم می توان به ناسیونالیسم باستان گرا، ارتش، دربار، سکولاریسم، پاتریمونالیسم، رویکرد سلبی به اسلام و روحانیت، دولت نیرومند، مخالفت با طبقات و اشرافیت سنتی، غرب گرایی و... اشاره کرد (رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۳۷).

باید توجه داشت که در ایران پس از کودتای ۱۳۳۲ و به دنبال آن سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امکان مبارزه مسالمت آمیز برای تمام نیروها از جمله مارکسیست ها، سوسیالیست ها، لیبرال ها و حتی مذهبی ها از بین رفت. این واقعه هم زمان با رشد بنیادگرایی مذهبی و قومی، بازگشت به سنت و مذهب که از مدتها پیش در خاورمیانه آغاز شده بود؛ رخ داد. درحالی که امکان فعالیت از نهادهای وابسته به جریان های سیاسی منتقد از سوی نیروهای انتظامی بسته شده بود و حتی مبارزه مسلحانه و زیرزمینی مخالفین چپ گرا (فدائیان و مجاهدین خلق) در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به شکست انجامیده بود. همچنین ساختارهای سنتی که مذهب در قالب آنها با مردم در ارتباط بودند-منابر و مساجد- به مراکز مهم مخالفت با مستقیم و غیرمستقیم با نظام تبدیل شده بودند. به عبارتی ضمن اینکه مدرنیسم پهلوی هنوز نهادینه نشده بود؛ زمزمه بازگشت به مذهب و سنت اسلامی نمایان گشت. در این میان هرچه رژیم به بن بست سیاسی در سال های ۱۳۵۵ نزدیک می شد؛ ناتوانی مخالفان قدیمی از

سازماندهی مخالفان و نفوذ در مجاری دولتی برای انتقال خواسته‌های بار عمومی به نهادهای مربوط به تدریج آشکار گردید. از طرف دیگر مخالفان چپ‌گرا و لیبرال به جای هماهنگی در مبارزه با رژیم به دام اختلافات درون‌گروهی افتادند و گروه‌های مخالف تا بهمن ۱۳۵۷ همگی در اطراف آیت‌الله خمینی (ره) گردآمدند (هرسیج، ۱۳۸۸: ۳۶۹).

۱-۱-۲- چپ‌گرایی

از دیگر هنجار مرسوم زمانه در قبل از انقلاب اسلامی در ایران، اندیشه‌های چپ است. اندیشه‌ای که الهام بخش بسیاری از جریان‌ها و احزاب سیاسی مانند حزب توده، سازمان مجاهدین و ... بوده است. از مهم‌ترین جریان‌های چپ در ایران حزب توده بود که مرام مارکسیستی داشت و روشنفکران ضد روحانیت را جذب و از سکولاریسم حقوق برابر برای مسلمانان و غیر مسلمانان، حق رای زنان، ایجاد مدارس مختلط و کشف حجاب، پشتیبانی می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۴۵۹).

باید توجه داشت که از آنجایی که رژیم‌های چپ‌گرا همواره در پی ایجاد تغییر در ساخت امتیازات اجتماعی هستند؛ بیشتر به شکل اقتدارطلب ظاهر شده‌اند تا دموکراتیک. البته شالوده تفکر مارکس یک سیستم فکری مبتنی بر اهمیت نقش طبقات و جنگ طبقاتی در اجتماع بوده است (رحمان زاده، ۱۳۵۳: ۱۰۶). وی فلسفه هستی‌شناختی مادی‌گرایانه دارد و مرکز اصلی این هستی‌شناسی ماتریالیسم است که به انتقاد از دین می‌پردازد. فویرباخ معتقد است؛ انسان‌ها خدا، روح یا تاریخ را در ذهن خود خلق می‌کنند. مارکس این استدلال را برای بیان مقاصد خود به کار می‌گیرد؛ وی همچنین اعتقاد دارد که این کار تولیدی انسان‌ها به ویژه طبقات اقتصادی است که در مراحل خاصی از تاریخ جهان را شکل می‌دهد (وینسنت، ۱۳۷۸: ۱۷). به‌طورکلی رژیم‌های چپ محصول قرن بیستم بوده‌اند و براساس جنبش اتحادیه‌های کارگری به وجود آمده‌اند. در کشورهای دموکراتیک غربی اتحادیه‌های کارگری به یکی از گروه‌ها و اهرم‌های مهم قدرت سیاسی تبدیل شده‌اند و در مواردی قدرت را به دست گرفته‌اند. البته در کشورهایی مثل روسیه و چین که در آنها احزاب کمونیست خود را نماینده طبقه کارگر دانسته و از طریق لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولیدی تحولی بنیادی در ساخت امتیازات اجتماعی به وجود آورده‌اند؛ درباره جایگاه طبقه کارگر چنین مسیری طی نشد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد؛ ریشه‌های اولین گروه‌های چپ در ایران به سوسیال دموکرات‌هایی

بازمی‌گشت که فعالیت خود را از بادکوبه آغاز و به‌زودی در نقاط مختلف ایران به تأسیس شعب پرداختند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۴۴). بنیان‌گذاران حزب توده هرچند مارکسیست بودند و حوادث آینده نشان داد که از حامیان ثابت قدم اتحاد شوروی هستند؛ اما به دلایل مختلف از جمله ترس از روحانیان خود را کمونیست نمی‌نامیدند (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۵۴). البته باید توجه داشت گروه‌های چپ‌گرا که از سوسیالیست‌های اسلامی تا مارکسیست‌های ضد دین را شامل می‌شدند؛ در برگیرنده طیفی از نیروهای میانه رو تا چریک‌های نظامی بودند. لازم به ذکر است که بیشترین تعداد مخالفان رژیم پهلوی دوم در طیف سکولار و مارکسیست‌های چپ قرار داشتند. در این میان سازمان فدائیان خلق بیشترین تعداد کشته‌شدگان را در میان مخالفان ضد رژیم شاه داشت که دارای مشی مارکسیست-لنینیست و غیرمذهبی بود و بعد از سازمان مجاهدین خلق است که یک سازمان التقاطی که ترکیبی از اصول مارکسیستی و اندیشه‌های اسلامی بود؛ قرار داشت. به‌ویژه در دهه ۱۳۵۰ که رژیم در نهایت قدرت بود و راه هرگونه فعالیت‌های سیاسی و انتقادی را بسته بود؛ گروه‌های مارکسیستی به فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند و در ردیف مخالفان رژیم قرار گرفتند. باید توجه داشت که تا قبل از سال ۱۳۴۲ چپ‌های ایرانی مارکسیست‌های لنینیست و استالینیست بودند که جدایی دین از حکومت، اقتصاد اشتراکی، دولتی شدن، مبارزه با امپریالیسم جهانی (که منظور غرب و آمریکا بود) از مهم‌ترین عقاید آنان بود. به بیان دیگر در چپ‌گرایان قبل از انقلاب اسلامی، مفاهیم التقاطی که از اصول اسلامی و لیبرال اخذ شده باشند؛ وجود نداشته است. همچنین سازمان مجاهدین خلق که یک سازمان مارکسیستی اسلامی است؛ در پایان دهه ۱۳۴۰ از نهضت آزادی انشعاب کرد و نخستین شکل سازمان یافته و نیرومندی بود که آرمان‌های چپ را با اصول اسلامی در هم آمیخت (هرسیج، ۱۳۸۸: ۳۷۲).

۱-۲- کنش سیاسی و زمینه عملی

اسکینر در مرحله دوم در پی آن است؛ بداند هدف نویسنده در نوشتن یک متن نسبت به کنش سیاسی موجود و موردبحث که زمینه عملی را شکل می‌دهد، چیست؟ از نظر اسکینر از آنجاکه یک ایدئولوژی سیاسی بازتاب کنش سیاسی (نهادهای، عملکرد و...) است؛ تغییر برخی از هنجارهای مرسوم ایدئولوژی، تغییر در شیوه‌ای است که آن کنش سیاسی بازتاب می‌یابد. در واقع هنجارهای تصرف شده، کنش سیاسی را باز توصیف و در نتیجه مجدد خصیصه آن را بیان می‌دارند (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۸).

۶۳). در همین ارتباط مکتب کمبریج (که اسکینر از اعضای برجسته آن است) با تاثیر از نظریه کنشی زبان، حرف را نوعی عمل دانسته و نویسنده را به عنوان کنشگر در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر اسکینر بر این امر تأکید دارد که فلسفه اثباتی زبان همه گزاره‌های با معنا را به حقایق بیرونی ربط می‌دهند و معنای آنها با روش تغییر قابل تعیین هست. کواین در این دیدگاه تردید می‌کند و ویتگنشتاین با اشاره به راه‌های متفاوت به کارگیری عملی زبان اعتقاد دارد؛ باید به جای توجه صرف به معانی کلمات بر کاربردهای متنوع آنها نیز تمرکز نمود. در واقع جان آل استین و جان سرل و دیگران در انتقادات خود، در بررسی کاربردها در مقابل معنای واژگان بر مفهوم کنش گفتاری این امر تأکید داشتند (2: Skinner, 2002). بدین ترتیب اسکینر روش‌های تفسیری را که فقط به متن برای فهم اندیشه مؤلف توجه می‌کنند را نمی‌پذیرد و معتقد است؛ باید به زمینه‌های فکری و سیاسی و همچنین نیت اصلی او نیز توجه داشت (78: Skinner, 2002). از دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در کنار فلسفه‌های تحلیلی و زبانی و روش‌های هرمنوتیکی مؤلف محور، رویکرد سومی اضافه شد که با نام اسکینر پیوند خورده است. روش‌شناسی وی با نقد دیدگاه‌های پیشین بر زمینه‌های زبان‌شناختی در تفسیر متن تأکید می‌کند.

از منظر وی زمانی می‌توان به معنای درست متون تاریخی دست پیدا کرد که به زمینه و سنت‌هایی که این متون نگاشته شده‌اند؛ پی برد (101: Skinner, 2012). البته اسکینر بر این نکته تأکید دارد که یک متن باید ظرفیت خاصی از نظر فهم باشد؛ تا در میان خوانندگان خویش به کنش اجتماعی منجر شود (406: Skinner, 1972). در اینجا باید به این نکته توجه کرد که کنش‌های اجتماعی به اندازه کافی توسط فرایندهای عادی با رویکرد علی توضیح داده می‌شوند. با این وجود تأکید بر معنای کنش‌های اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (79: skinner, 2004). به عبارت دیگر از نظر اسکینر هر متن می‌تواند؛ به عنوان کنشی در زمینه اجتماعی خاص خود نقش آفرینی کند (107: Skinner, 2007) و نقش ساخت سیاسی به نوعی بازتولید کنش موردنظر خویش است. از نظر اسکینر برای اینکه مؤلف بتواند؛ واژگان هنجار مرسوم ایدئولوژی زمانه اش را دست‌کاری کند؛ از نظر سطح با تکنیک توصیف مجدد خطابی ممکن خواهد شد (154: Skinner, 2000). البته متفکر اگرچه معترض مفهوم آن نیست؛ ولی می‌کوشد؛ تا حدود معنایی و کاربرد آنها را تغییر دهد. برای مثال اسکینر از ماکیاوولی مثال می‌آورد که کوشیده تا برخلاف نظر اندرزنامه نویسان رایج زمانه فضیلت گشاد دستی را ردیلتی خطرناک برای شه‌ریار نشان دهد (135: Skinner, 2000). به هر حال

در قرائت قصد گرایانه اسکینر برای باز تفسیر عمل مولف، ضمن توجه به واقعیت فکر و ذهنیت او این عمل را باید در فضای گسترده طرح اعمال خود وی و فعالیت های قبل و بعد از عمل آن و همین طور فضای گسترده جهان سیاسی که این اعمال در آن انجام گرفته، گذاشت تا بتوان به فهم درست اندیشه مولف دست پیدا کرد (فی، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

همان طور که اشاره شد و همچنین در ارتباط با مرحله دوم اسکینر باید توجه داشت؛ به دنبال کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و شکست ملی شدن نفت، فرایند شکل گیری دولت مطلقه در ایران رو به فزونی یافت. همچنین با کامل شدن پایه‌های اصلی رژیم یعنی دیوان‌سالاری دولتی، ساواک، ارتش، دربار، حزب رستاخیز و... این فرایند به نهایت خودش رسید. به عبارت دیگر ماهیت استبدادی حکومت، سیاست دین‌زدایی از جامعه، مدرنیزاسیون، وابستگی به درآمدهای نفتی و دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور باعث نارضایتی عمومی گردید (بصیری، ۱۳۹۵: ۵۳).

بدین ترتیب مجموعه اقداماتی مانند مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید، اعلام عزای عمومی در فروردین ۱۳۴۲، قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، قانون کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی زمینه‌ساز حرکت انقلابی مردم شد (بخشی، ۱۳۸۱: ۵۶). در کنار این عوامل سیاست محدودسازی متولیان دین‌داری نیز شرایط را برای مخالفت‌های گسترده با رژیم مهیا کرد. بدین ترتیب هنجار مرسوم که با کنش‌های سیاسی تقویت می‌شد؛ مورد چالش جدی قرار گرفت. البته نباید از این نکته غفلت کرد که موفقیت یک انقلاب منوط به توانایی رهبر آن در همراهی احساسات شهروندان یک ملت است؛ یعنی گرچه عوامل متعددی مانند نارضایتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قبل وجود داشته است. اما آنچه توانست موجبات بسیج توده مردم را فراهم آورد؛ مذهب بوده است. رهبری کاریزماتیک همراه با ایدئولوژی مذهبی - عقیدتی توانست؛ فرایند این بسیج را تسهیل کند (Brandis, 2009, 4). چنانکه از کل شعارهایی که مربوط به شخصیت‌های مهم انقلاب بود؛ ۴۵۰ شعار یعنی حدود ۷۰ درصد مربوط به امام خمینی است (پناهی، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

در این میان فقه سیاسی شیعه نیز به مشروعیت حکومت‌های ظالم فتوا نداده است. هرچند در برهه‌هایی از تاریخ فقه شیعه از طریق تعامل، تدافع و تهاجم با این حکومت‌ها همکاری داشته است. اما قابلیت فقه از یک سو و موقعیت‌شناسی فقهای شیعه از سوی دیگر موجب شد؛ این جریان بتواند؛ با گذار از مدل‌های نامشروع حکمرانی و پیوند هویتی و دینی در میان مردم ابتدا از حاشیه تحولات سیاسی به متن آن نفوذ کرده و با وقوع انقلاب اسلامی از متن تحولات اجتماعی - سیاسی به

رأس هرم قدرت سیاسی مشروع دست یافته و تئوری ولایت فقیه تبدیل به نظام سیاسی گردد (طاهری، ۱۳۹۶: ۷۶). به‌طورکلی اسلام سیاسی در ایران براساس تفکر شیعی شکل گرفته است؛ یعنی زمینه‌های عقل‌گرایی موجود در تفکر غالب شیعی، امکان جذب مفاهیم و عناصر جدید را فراهم کرده است. عناصری مانند تفکر عقلانی و امکان بازنگری در فهم و تفسیر آموزه‌های دینی، باز بودن باب اجتهاد و نقش مکان و زمان در آن، خط‌اپذیری اجتهاد و امکان جذب مفاهیم جدید و منطقه‌الفراغ که شرایط جذب ایده‌های نو را مهیا کرده است. به‌هرحال تفکر شیعه در طول تاریخ براساس اصل امامت شکل گرفته است؛ اما برخی زمینه‌های تحول در درون آن نهادینه شده است (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۸۰). در این میان وجوه سیاسی متون دینی نیز وضعیت ویژه‌ای دارد که در هیچ یک از نظریه‌های سیاسی قابل جمع نبوده‌اند و به‌ناچار در طی زمان برخی از این متون مورد تأکید و برخی دیگر به حاشیه رانده شده‌اند. به‌سخن دیگر در نصوص دینی فهم‌های تازه‌ای وجود دارد که ممکن است از هر تفسیری در باب این متون و نصوص به دست آید (فیرحی، ۱۳۷۸: ۱۸). بنابراین ساخت سیاسی قدرت همگام و همراه با تغییر هنجار مرسوم زمانه عمل می‌کند. بدین معنی که نویسنده در نوشتن یک متن درصدد است؛ ضمن ترویج ایدئولوژی جدید کنش‌های سیاسی را نیز تقویت و حتی تثبیت کند. برای نمونه در فرایند نهادینه کردن انقلاب اسلامی حتی نقاشی‌ها و شعارهایی در جهت تثبیت انقلاب را می‌توان مشاهده نمود. به‌عبارت‌دیگر، نقاشی پس از انقلاب ایران مانند انقلاب‌های روسیه، فرانسه، کوبا و چین است که هدف تقدس انقلاب را بر عهده دارد و در تلاش است تا ایمان و حق را جایگزین باطل و انقلاب را به سمت اسطوره‌ای شدن رهنمون گرداند (اسدی، ۱۳۹۲: ۶۹).

۱-۳- تکوین یا تغییر ایدئولوژی‌ها

در مرحله سوم ایدئولوژی‌ها ضمن شناسایی و تکوین، نقد و تحول آنها باید بررسی و تبیین شوند. در این مرحله اسکینر به خود ایدئولوژی‌ها، عوامل سازنده و کنترل‌کننده آنها از طریق غباررویی از متون و همچنین تحول و دگرگونی این ایدئولوژی‌ها توجه می‌کند. به‌عبارت‌دیگر اسکینر در پی شناسایی مقطع تاریخی است تا تقویت یا تحول ایدئولوژی را بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد؛ چرا از نظر سیاسی دست به ایجاد تحول زده شده است؟ در مرحله سوم اسکینر در پی این است که توضیح دهد چگونه ساخت سیاسی قدرت در تحول یا تقویت ایدئولوژی خاصی عمل نموده است. باید توجه داشت نظریه تاریخ‌نگاری اندیشه سیاسی مکتب کمبریج و روش تفسیری

کوینتن اسکینر به طور عمده تحت تأثیر دو جریان عمده در قرن بیستم به وجود آمد؛ جریان اول تحولات تاریخ نگاری و جریان دوم جنبش های فلسفی برآمده از چرخش زبانی. در واقع زبان و فهم موضوعی است که در طول تاریخ فلسفه (به ویژه از رنسانس به بعد) مورد بحث بوده است (Schmit, 1990: 452). در همین ارتباط اسکینر نیز تلاش کرده است تا روشی خاص برای مطالعه و تفسیر متون تاریخی ارائه کند. بنابراین هدف وی این بوده که تاریخچه ای پیرامون متون کلاسیک و همچنین تاریخچه ایدئولوژی ها به نگارش در بیاورد. در واقع اسکینر در پی آن بوده تا چارچوبی کلی ارائه دهد که براساس آن نوشته های نظریه پردازان برجسته مورد بررسی قرار گیرد (skinner, 1978:5). وی از این ادعا که پیش از این تنها یک راه برای خواندن متون وجود دارد؛ یعنی تفسیر آنها، عبور می کند تا چشم انداز کاملاً متفاوتی که متن ها را به طور مشروع می توان پذیرفت؛ ایجاد شود. اسکینر بر این باور است که یک متن را باید به روش های مختلف خواند؛ حتی اگر تنها یک راه معتبر برای تفسیر آنها وجود داشته باشد (Burns, 2011:327).

همان گونه که در مرحله دوم اسکینر ذکر شد؛ هنجار مرسوم رژیم پهلوی با حمایت همه جانبه قدرت تقویت می گردید. اما با قرار گرفتن گفتمان امام خمینی در برابر گفتمان مسلط دوره پهلوی و آغاز مبارزه مستقیم علیه آن رژیم، ایدئولوژی آن نیز مورد مخالفت قرار گرفت. ایشان تمامی جریانات غربگرا در داخل کشور و گفتمان پهلوی را نفی کرده و حتی تمامی گرایش های لیبرالی یا سوسیالیستی و التقاطی را برای ایجاد ائتلاف نپذیرفتند و بر وجه متمایز نهضت اسلامی از سایر گرایش های غیر اسلامی تأکید کردند. در همین ارتباط ایشان پس از استعفای دولت موقت بازرگان که گرایش لیبرالی داشت و به نهضت آزادی هم وابسته بود؛ انتصاب مهندس بازرگان را به توصیه برخی یاران دانسته و اظهار داشتند که انقلاب اسلامی مدیون هیچ حرکت یا گروهی نیست. امام خمینی در مرحل تکوین ایدئولوژی اسلامی با گروه های اسلامی متحجر، التقاطی و آنچه که وی آنان را اسلام آمریکایی می نامیدند؛ مبارزه و مخالفت می کردند (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۱۶۲). در واقع، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای برگرفته از فرهنگ اسلامی که از مهم ترین منابع تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی به حساب می آیند؛ به صورت نوعی ایدئولوژی سیاسی برای این نظام درآمده است. این امر از یک سو به عنوان یک هویت خاص و متمایز ایجاد شده و از سوی دیگر نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را نیز برای قضاوت و داوری در مورد سیاست ها و اقدامات جمهوری اسلامی فراهم آورد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۸۹).

به عنوان مثال مفهوم "دولت اسلامی" آیت الله خمینی(ره) مدعی است که به عنوان محرک سیاسی-اجتماعی و محتوای فکری، بین المللی بوده و در یک اجتماع برزخی ظهور یافته و توانسته همه را تحت تأثیر قرار داده و بسیج کند (Matin, 2013: 456). این مفهوم توسط مقام معظم رهبری نیز پیگیری می شود که در مراحل خاصی در حال تکمیل است و قدم اول آن وقوع انقلاب بود: انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷). عصری که نظام ارزشی و اخلاقی متناسب با نظام سیاسی خویش را پایه گذاری می‌کند. به عبارت دیگر نظام های سیاسی با توجه به اصول، مبانی و زیرساخت های فکری و ایدئولوژی خود در نظام دارای ارکان خاص خود هستند. از آن جایی که نظام سیاسی پس از انقلاب اسلامی برآمده از اسلام است؛ محور و رکن اصلی حکومت امامت و رهبری است که اصلی غیر قابل تغییر تلقی می شود. البته شکل و ساختار حکومت می تواند؛ با توجه به دگرگونی های جامعه تغییر یابد (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۰۵). به طور کلی مبانی معرفت شناختی فقه سیاسی در قالب سه مبنای کلان نص گرایی، سنت گرایی و عقل گرایی تقسیم می شود. البته فقه سیاسی دانشی نص گراست و مقصود از نص گرایی، تأکید این دانش بر نص (قرآن و سنت) با محوریت نص در فعالیت های علمی اندیشمندان این حوزه است (میراحمدی، ۱۳۹۱: ۲۷).

در واقع، تشیع بر اثر تکیه بر اصولی مانند وحدت دین و سیاست، عدم تجزیه رهبری دینی و سیاسی (امامت)، کلیه حکومت هایی که از اسلام ریشه نگیرد و بر اسلام استوار نباشد؛ غیرقانونی و غیراسلامی به حساب می آورد. به همین دلیل شیعه در زمان حضور معصوم، رهبری امت را ابتدا در پیامبر(ص) محدود کرده و از طریق وی به امامان منتقل می کند. در زمان غیبت معصوم، رهبری به نمایندگان واجد شرایط آنان یا علمای فقیه تعلق دارد (عزتی، ۱۳۷۴: ۳۱۳). به عبارت دیگر در فقه سیاسی شیعه دو نتیجه وجود دارد که از عدم مشروعیت قدرت موجود به دست می آید. یکی در جهت سکوت و دیگری در جهت اقدام انقلابی جلوه گر است. پس از غیبت معصوم (ع)، هر دو گزینه باز بود؛ ساکت بودن یا اقدام انقلابی، تحت تأثیر شرایط خاص به طور تدریجی گزینه دوم انتخاب شد (Algar, 1983: 18). اگرچه نیروهای مخالف رژیم تحت عنوان مدرنیته در فرایند مبارزه مشارکت داشتند؛ اما ایدئولوژی اسلام در رشد و گسترش جنبش نقش اصلی را برعهده داشت (Ayubi, 2003: 112) و انقلابی را به وجود آورد که تمام پیش بینی های غرب را از بین برد. به طوری

که این را از خاطره و یادداشت های تاریخی آمریکا خط زد که آنها عمق ایران و انقلاب اسلامی آن را به خوبی نتوانستند بفهمند (Murray, 2009: 143).

بنابراین می توان گفت؛ شیعه، اصول خود را از بطن اسلام استخراج می کند و آن را تفسیر راستین اسلام دانسته و مبانی خاص خود مانند امامت، ولایت فقیه، ادامه اجتهاد، حجیت عقل را از خود اسلام به دست می آورد. فقها و مجتهدین شیعه، اعتبار و ارزش نظام سیاسی خود را در زمان غیبت و ضرورت استقرار حکومت اسلامی بر اصول اسلامی مانند وجوب نگهداری از اسلام، وجوب اجرای احکام اسلامی، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به منظور تحقق کامل اسلام، مسئولیت شرعی و وجوب کفایی دفاع از امت اسلامی قرار می دهند (عزتی، ۱۳۷۴: ۲۵۷). به همین دلیل است که مهم ترین تحول درونی در فقه شیعه که به مدد وقوع انقلاب اسلامی به بار نشست؛ گذار از فقه شیعه از تئوری سیاسی به نظام سیاسی است. تا قبل از انقلاب اسلامی دغدغه شیعه بیشتر در حد تئوری بوده است و کمتر مجال عملیاتی پیدا کرده است. البته در دوره مشروطه فقه شیعه به سمت نظام سازی حرکت کرد؛ اما به دلایل سیاسی - اجتماعی نتوانست؛ در عرصه عملی توفیق زیادی به دست آورد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی فقه شیعه توانست؛ از تئوری به سمت عمل حرکت کند. به همین علت است که شاهد گذار دیگری از فقه فردی به فقه حکومتی و به تبع آن و با توجه با معضلات و درخواست های جدید گذار از فقه عمومی به فقه تخصصی مشاهده می شود (راهدار، ۱۳۹۳: ۲۳). همان طور که در ادامه اشاره خواهد شد؛ همه این فرایند شرایط و زمینه لازم را برای تغییر و گذار از هنجارهای قبلی به سوی هنجار جدید فراهم می کند.

۱-۴- ارتباط ایدئولوژی و کنش سیاسی

در این مرحله ارتباط ایدئولوژی سیاسی و کنش سیاسی که اشاعه ایدئولوژی های خاصی را به خوبی توضیح می دهد چیست و این امر چه تأثیری در رفتار سیاسی دارد؟ مبنای بحث اسکینر در این مرحله این است که هر واژگان سیاسی حاوی شماری از اصطلاحات خواهد بود که به صورت بین الذهانی تجویزی هستند. به عبارت دیگر کلماتی که نه تنها توصیف می کنند؛ بلکه در ضمن توصیف ارزش گذاری نیز می کنند. اسکینر این بعد ارزش گذاری را ظرفیت کنش کلامی یک کلمه خواننده می شود و ممکن است مثبت، منفی، ستایش آمیز، نکوهش آمیز و تأیید کننده یا رد کننده باشد (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۶۵). در مرحله چهارم اسکینر به دنبال واژگان جدیدی است؛ تا بتواند تحول

ایدئولوژیک را به نحو مطلوب توضیح دهد و همچنین این نکته را مطرح کند که واژگان سیاسی به شکل‌گیری اعمالی می‌انجامد که حاوی نقش‌های ایدئولوژیکی برای مشروعیت بخشی به کنش اجتماعی است. به زبان دیگر تغییر معنا یا بار ارزشی اصطلاحات ایدئولوژی جدید می‌تواند؛ باعث مشروعیت بخشیدن به طیف جدیدی از فعالیت‌ها و باورها، مشروعیت‌زدایی یا تقویت وضع موجود و اموری از این قبیل شود (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۶۶). در همین ارتباط، در قلمرو فرهنگ سیاسی اسلام که نص دینی، همواره در مرکز دایره آن قرار دارد؛ فهم معنای نص در حقیقت به معنای کشف سازوکارهای پدیدآورنده معرفت و دانش سیاسی است. چرا که نصوص دینی در تمدن اسلام به مثابه متن پایه و مولدی است که تمام یا بیشتر گونه‌های نصوص را، که حافظه فرهنگ ما را تشکیل داده است؛ زاده و ساخته است (فیرحی، ۱۳۷۸: ۵۰). این متون در مقاطعی از تاریخ نه تنها هنجار مرسوم زمانه را تغییر داده‌اند؛ بلکه ساخت سیاسی قدرت را نیز واژگون ساخته‌اند. برای مثال جنبش‌های زیادی در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کردند که داعیه نجات جامعه را با توجه به ایدئولوژی اسلامی در سر داشته و دارند. مصادیق این ایدئولوژی مبتنی بر اعتقاد و باور به رستگاری جامعه نهضت‌خواهان المسلمین به رهبری حسن البنا در مصر، جماعت اسلامی در شبه قاره به رهبری ابوالاعلی مودودی، سازمان مجاهدین خلق پس از انقلاب اسلامی، نهضت فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی و انقلاب اسلامی ایران از جمله این جنبش‌ها هستند (جوانی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

قبل از ورود به بحث متون دینی این دوره اشاره مختصری درباره تطبیق آیات و روایات می‌شود. از مباحث مهم در تفسیر آیات قرآن به جری و تطبیق آیات مربوط است. در واقع «جری و تطبیق» عبارت است از انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده است. اصل تطبیق امری است که نه تنها نقل، بلکه عقل و عرف نیز آن را تأیید می‌کنند؛ اما توجه به این نکته لازم است که تطبیق الفاظ قرآن بر مصادیق خارجی تا حدی رواست که مخالف عقل، عرف، نصوص قرآن و سنت نباشد. در تفاسیر روایی شیعه آیات فراوانی وجود دارد که در آن‌ها آیات قرآن کریم بر پیامبر(ص)، اهل بیت(ع)، پیروانشان و حتی مخالفان ایشان تطبیق شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «همه آن‌ها (بالغرب صدها روایت است) از قبیل «جری» است. شیوه اهل بیت(ع) چنین است که آیات را بر آنچه قابل تطبیق باشد؛ منطبق می‌کنند؛ اگرچه از مورد نزول آن‌ها خارج باشد» (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۷). همان‌طور که اشاره شد؛ در روایات تفسیری آیات فراوانی از قرآن کریم بر اهل بیت(ع) تطبیق شده است. البته شیوه بسیاری از این تطبیقات به گونه‌ای است که آن‌ها را

مصادیق منحصر به فرد آیات یاد شده نشان می‌دهد. این انحصار با ادله جری و تطبیق مخالفت دارد؛ زیرا روایات جری حاکی از آن بود که قرآن از نظر انطباق بر مصادیق، وسعت دارد و اختصاص به موارد نزول آیه ندارد. به عنوان نمونه در قرآن کریم، آیه‌ای است که می‌گوید خدا هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنان خود تغییر کنند: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ* (رعد/ ۱۱). تا پیش از سید جمال الدین اسدآبادی، یعنی حدود ۱۳۰ سال پیش، هیچ عالم دینی و مفسری، از این آیه، معنای «اراده اجتماعی» را نمی‌فهمید. او بود که نخستین بار در نوشته‌های خود، این آیه را بر سر زبان انداخت و معنای انقلاب و اراده جمعی برای تغییر را از آن فهمید. پیش از او مفسران در ذیل این آیه، بیشتر درباره ضرورت قدردانی از نعمت‌های الهی و حفظ آن سخن می‌گفتند و اینکه عذاب برخی اقوام پیشین به دلیل رفتار کفرآمیزشان بوده است و خدا هر نعمتی را از دست هر کس بگیرد، به دلیل بی‌لیاقتی او است.

بنابراین انحصار مصادیق نزول آیات به حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) خلاف روایات جری است. ناگفته پیداست که علت این انحصار توسط مفسرین به مسئله خلافت و ولایت بعد از پیامبر (ص) برمی‌گردد (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۵۹). در میان عالمان شیعه در دوره‌های گوناگون تلاش‌های زیادی در جهت تطبیق آیات بر اهل بیت (ع) و مخالفان آن‌ها دیده می‌شود. در دوره میانه اسلامی، یعنی از سده‌های پنجم تا دهم هجری، توجه به ظاهر و دوری از تأویل‌گرایی رویکرد غالب بوده است. شیوه مفسرانی مانند شیخ طوسی، طبرسی، ابوالفتح رازی و جرجانی در تأکید بر اسباب نزول و در مرتبه بعدی توجه به روایاتی بود که در منابع تفسیری و روایی اهل سنت شاهی بر فضیلت‌های اهل بیت (ع) یافت می‌شد. ناگفته پیداست با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و حمایت ساختار قدرت شرایط لازم برای گسترش بیان فضیلت‌های اهل بیت (ع) مهیا گردید و در این راه روایات تأویلی بیشتر مدنظر قرار گرفت (مولوی، ۱۳۹۷: ۱۱۶). همچنین باید به این مهم توجه داشت که فهم و ذهنیت راوی نسبت به یک روایت می‌تواند؛ در فهم خواننده روایت، تأثیرگذار و موجب کژفهمی او باشد و این اتفاق به دلایلی مانند عدم توجه راوی به همه قراین موجود، تصرف او در الفاظ روایت و گاهی به دلیل نقل به معنا رخ می‌دهد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). بنابراین در ادامه به نمونه‌هایی از این دست اشاره می‌شود.

برخی بر استناد به آیه ۵۹ سوره نسا و سایر آیات سعی در اثبات ولایت فقیه دارند. اما در این میان روایات متعددی نیز در این ارتباط مورد استفاده قرار گرفته است؛ روایاتی چون مرسله شیخ

صدوق در من لایحضره الفقیه، روایت علی بن ابی حمزه بطائنی به نقل از کافی، موثقه سکونی تویح منسوب به حضرت مهدی (عج)، مقبوله عمر بن حفصه، حدیث تقوی الحکومه، روایت ابی خدیجه، روایت ابوالبختری، روایت منزله الفقیه و... از مهم ترین این روایات هستند (ره‌دار، ۱۳۹۲: ۱۶). همچنین در آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»؛ گروهی معتقدند منظور از امانت در این آیه امانت است که از پیامبر (ص) به اهل بیت (ع) داده شده است و بعد از آن‌ها هم ادامه پیدا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۷۲).

در تفسیر هدایت در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اولوالامر را امتداد طبیعی رسول الله می‌داند که بعد از پیامبر (ص) هستند (مدرسی، ۱۳۷۷، ۹۹). آیات ۴۴ نحل، ۵۹ و ۶۵ نساء، ۳ و ۶۷ سوره مائده بر موضوع ولایت از جانب خداوند تأکید دارد. به سخن دیگر از نظر قرآن ولایت خداوند و به تبع آن ولایت حضرت رسول (ص) و ولایت اهل بیت (ع) و تعیین حاکمیت سیاسی را به عنوان استمرار این ولایت می‌دانند که در همهٔ تار و پود دین قرار گرفته است (عباس نژاد، ۱۳۹۰: ۱۸۶). البته روایات مختلفی نیز در تأیید ولایت فقها آورده شده است. در روایت مرسله شیخ صدوق «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ خُلَفَائِكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي، يَرُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي فَيُعَلِّمُونَهَا النَّاسَ مِنْ بَعْدِي» استناد می‌شود که بر دلالت حدیث بر ولایت فقیه جای هیچ تردیدی نیست (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۴).

در همین ارتباط، امام خمینی به نقل از امام رضا (ع) که می‌فرماید: «لو لم يجعل لهم اماماً قيماً حافظاً مستودعاً، لدرست المله.....» استناد می‌کند؛ برای مردم امام حافظِ قِیمِ امین لازم است و در این روایت می‌افزاید که فقها اماناء رسل هستند. یعنی فقها باید رئیس ملت باشند تا نگذارند اسلام مندرس شود و احکام آن تعطیل گردد (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۲). امام باقر (ع) نیز در روایتی از رسول الله (ص) نقل می‌کند که فرمود: «بنی الاسلام علی خمس، علی الصلوه، الزکوه، و الصوم، و الحج و الولایه» به این معنی که اسلام پنج پایه و ستون دارد: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. با وجود اینکه چهار مورد اول در اسلام بسیار مورد تأکید است؛ اما هیچ کدام به اندازهٔ مسئلهٔ ولایت مورد توجه نبوده است (صانعی، ۱۳۶۴: ۲۲۸). لازم به ذکر است که در بحث جایگاه ولایت از روایات متعددی استفاده شده است که از حوصلهٔ این نوشتار خارج است. همچنین در اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان، در غرائب القرآن آمده است که برخی از مردم شیعه در آیه الذین یومنون بالغیب، مراد از

غیب را مهدی منتظری که خداوند در قرآن به آن وعده داده می‌داند. در همین ارتباط آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» اشاره به حکومت جهانی مهدی (عج) دارد. در تکمیل همین آیه از پیامبر (ص) نقل است که اگر از عمر جهان جز یک روز نمانده باشد؛ خدا آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از امتم خروج کند.... زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد (خلجی، ۱۳۷۸: ۹۴). لازم به ذکر است؛ در برخی از منابع تشیع از لزوم حکومت اسلامی قبل از ظهور اشاره می‌کند که متصدیان آن، در هنگام ظهور آن حضرت، پرچم را به حضور وی تقدیم می‌کنند: در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است: «جمعی از طرف شرق می‌آیند که پرچم‌های سیاه در دست دارند..... تا پرچم را به دست مردی از اهل بیت من می‌دهند و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنان که آن را از ستمگری پر کرده باشند (فضلی، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

همان‌طور که اشاره شد؛ از دوره صفویه، شرایط فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی فقها در مناصب مختلفی مانند صدر، شیخ الاسلام و ... فراهم شد. این فرایند در دوره قاجار نیز ادامه یافت. این دوره مواجهه است با افزایش جایگاه اجتماعی - سیاسی فقها، به طوری که آنها با رشد نسبت به صفویه از ذیل حکومت خارج شدند و به طور مستقل از حکومت، البته با رویکرد تعاملی به اعمال ولایت در امور مختلف شرعی مانند تصدی امور حقوقی و صدور حکم جهاد پرداختند. این فرایند حضور فقها در زمینه‌های مختلف در اواخر دوره قاجار شدت بیشتری یافت و توانستند؛ در جریان مشروطه نقش آفرینی کنند. با روی کار آمدن حکومت پهلوی حضور فقها در ساخت قدرت تا حد زیادی کم رنگ گردید و در نهایت با وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه، بحث ولایت فقیه و نیابت آنها در عصر غیبت به بالاترین حد ممکن خود رسید (ابوطالبی، ۱۳۹۲: ۲۸).

همچنین بر طبق متدولوژی اسکینر، برای فهم اندیشه‌های سیاسی یک اندیشمند هم باید گفتمان سیاسی مسلط بر جامعه و زمانه وی را شناخت و هم باید قصد و نیت آن اندیشمند برای برقراری ارتباط در چنین گفتمانی را دریافت. بدین ترتیب در دوره جمهوری اسلامی تکوین و تغییر ایدئولوژی یا هنجار مرسوم مشاهده می‌شود. بنابراین هنگامی که به تفسیر متون دینی پس از انقلاب اسلام ورود می‌شود؛ با واژگانی مانند "جهاد"، "شیعه دوازده امامی"، "معصوم"، "ولایت فقیه"، "نائب امام زمان"، "عاشورا"، "قیام"، "استکبار جهانی"، "تفسیر"، "فقه"، "مستضعفان"،

"نماز جمعه"، "مقاومت"، "نفوذ"، "ائمه"، "امیرمومنان" و... برخورد می‌شود که از تغییر ایدئولوژی حکایت دارند. در واقع حکومت جمهوری اسلامی با روش‌های مختلف و سیاست‌های گوناگون تلاش کرد تا هنجار مرسوم زمانه را تغییر دهد و ایدئولوژی خویش را تثبیت کند.

۱-۵- نقش اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج هنجار مرسوم

در مرحله آخر کدام اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج و هنجار مرسوم ساختن تحول ایدئولوژیک نقش دارند؟ اسکینر در این مرحله به این مطلب می‌پردازد که چگونه تحول ایدئولوژیک جدید به هنجار مرسوم تبدیل می‌شود؟ در همین ارتباط وی دو خط مشی را ارائه می‌دهد: خط مشی ایدئولوژیک و عملی. از لحاظ ایدئولوژیک گسترش و بسط یک نوآوری مفهومی تا حدودی محصول چگونگی تطبیق یافتن با دیگر مکاتب فکری است. در واقع این مرحله ارتباط نزدیکی با نظریه گرامشی پیدا می‌کند. بدین صورت که وی مفهوم فرهنگ هژمونیک را بسیار گسترش داد و تحلیلی خاص از چگونگی تأسیس و حفظ کنترل طبقه حاکم - بورژوازی - ارائه داد. وی پیشنهاد کرد که دولت کنترل خود را فقط از طریق خشونت و اجبار سیاسی و اقتصادی نباید اعمال کند؛ بلکه از طریق ایدئولوژی و فرهنگ هژمونیک باید ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را تبلیغ کند تا آنها به ارزش‌های "عقل سلیم" همه تبدیل شوند (Gramsci, 1999: 87). به طور خاص نظریه‌های سیاسی می‌توانند؛ بسیاری از اقدامات سیاسی در عرصه عمل را توضیح دهند (Brecht, 2015: 497). امروزه هر نظریه‌ای از کارکرد نمادهای مختلف برای گسترش خود استفاده می‌کند و این کاربرد بازتولید آنها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک در پی دارد (Wedemeyer, 2010: 141)

در ارتباط با خط مشی ایدئولوژیک مورد توجه اسکینر، در فرایند تکوین، تثبیت و ترویج ایدئولوژی جدید، مفهوم انقلاب، مبارزه با امپریالیسم و به دنبال آن فرایند اسلامی‌سازی مفاهیم مذکور در قالب مبارزه با استکبار مشاهده می‌شود که از اندیشه‌های چپ گرفته شده است. همچنین مفهوم دموکراسی را از هنجار مرسوم تجددگرایی اخذ و با اسلامی‌سازی آن در قالب جمهوری اسلامی پیاده شده است. به همین دلیل است که در فرایند اخذ و بومی‌سازی دموکراسی، واژه مردم‌سالاری دینی ملاحظه می‌شود. بدین صورت که در این الگو دین به عنوان مرجعیت رسمی شناخته شده و در عین حال بر جوهر دموکراسی نیز تأکید می‌کند. به سخن دیگر مردم‌سالاری دینی در اصول

خود مرجعیت دین را در توجیه، تحلیل و تبیین جوهرهٔ دموکراسی می‌پذیرد. به طور خلاصه در مردم‌سالاری دینی ایدهٔ حکومت مردم را به عنوان جوهرهٔ دموکراسی پذیرفته و به همین دلیل در دایره برداشت‌های گوناگون از دموکراسی قرار می‌گیرد. اما در فرایند توجیه، تحلیل و تبیین مردم‌سالاری با رجوع به دین به عنوان منبع معرفت شناختی اثبات می‌شود و به همین علت می‌توان آن را خوانش خاصی در برابر خوانش‌های دیگر چون دموکراسی لیبرال و سوسیال دموکراسی قرار داد (میراحمدی، ۱۳۸۶: ۲۰۹). در قسمت اول از مرحلهٔ پنجم اسکینر که بحث استفاده از مکاتب فکری موجود در جهت تغییر هنجار مرسوم مطرح است؛ شاهد قدرتمند شدن جایگاه روحانیون و نقش غیر قابل انکار آنان در تغییر هنجار مرسوم مشاهده می‌شود.

در ادامه این فرایند اسکینر از لحاظ عملی نیز به توانایی ایدئولوگ‌ها در کنترل ابزارهای ترویج افکار، همانند دانشگاه، کلیسا و ... تأکید دارد. برای تحول ایدئولوژیک در شیوه‌های عملی باید به این نکته توجه داشت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساختار آموزشی فرهنگی کشور مورد بازبینی اساسی قرار می‌گیرد. دانشگاه‌ها با تصمیم شورای انقلاب فرهنگی تا پاکسازی کامل تعطیل می‌شوند. کنترل ابزارهای ترویج افکار مورد توجه مسئولان جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب ساختار فرهنگی و آموزشی در راستای تقویت مذهب شیعه دوازده امامی سازماندهی می‌شود. به‌طورکلی جمهوری اسلامی کارکرد دینی-مذهبی زیادی دارد و این وظیفه علاوه بر حمایت از قوانین شریعت، مطابقت دادن قوانین مجلس شورای اسلامی با شرع مبین، بر جایگاه والای فقها و عالمان دین در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، تبلیغات اسلامی، برگزاری نماز جمعه، ترویج آیین‌ها و شعائر مذهبی نیز تجلی یافته است. اقداماتی ایجابی مانند ترویج سنت تبرا، مراسم سوگواری امامان شیعه به ویژه ایام محرم، فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم برای پیاده روی اربعین، برگزاری شکوهمندانۀ اعیاد مذهبی همانند عید قربان، غدیر و فطر، مولودی حضرات ائمه (ع)، تعبیر مذهبی از اعیاد باستانی نوروز، مسجد و مسجد سازی، گسترش موقوفات و فراهم نمودن بستر مناسب جهت فعالیت‌های علمای دینی و همچنین اقدامات سلبی مانند اخراج و پاکسازی رادیو و تلویزیون، برنامه‌های پاکسازی کتاب‌های درسی از نموده‌های سیزده بدر و نوروز، برچیدن مدارس مختلط، تصفیۀ نیروهای انسانی آموزش و پرورش و دانشگاه و تصرف سفارت آمریکا به‌عنوان لائۀ جاسوسی (میرسلیم، ۱۳۸۹: ۱۴۳) را می‌توان از مهم‌ترین جلوه‌های فعالیت آگاهانۀ جمهوری اسلامی در جهت ارائهٔ هویتی دین‌دارانه از خود و همچنین تحکیم هویت سیاسی مذهبی ایرانیان پس از سقوط رژیم پهلوی تلقی کرد.

درواقع هویت دینی که با انقلاب اسلامی ایران معرفی شد؛ باعث شد؛ بیشتر مسلمانان متمایل به یافتن هویت سیاسی خویش در جامعه دینی شوند (Lewis, 2018: 29). برای مثال حزب الله لبنان پس از مقابله نظامی با اسرائیل و غرب وارد مرحله جدیدی به نام جهاد سیاسی شده است. این حزب در تلاش است تا مدلی از نظریه سیاسی انقلاب ایران را وارد سیستم سیاسی لبنان کند (Hamzeh, 1993: 328) در همین ارتباط، گسترش و تقویت مدارس حوزه علمیه، ایجاد و تقویت پایگاه‌های بسیج در مکان‌های مختلف در این دوره صرفنظر از انگیزه‌های دیگر، در جهت تقویت و گسترش آموزه‌های تشیع به طور کل و تحکیم هنجار مرسوم انقلاب اسلامی است.

در همین ارتباط، واقعه کربلا که نقش برجسته‌ای در طرح ریزی نظریه تشیع داشته است؛ نقش بی‌نظیری در تقویت و تثبیت ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایفا کرده است. به‌عنوان مثال در مدیریت پیاده روی اربعین اجتماع میلیونی افراد از گروه‌های سنی مختلف و از کشورهای گوناگون و با نمادهایی مانند بیرق، لباس مشکی، موکب‌ها، خدمت‌رسانی به زائران مشاهده می‌شود. این پیاده روی مؤلفه‌های یک جنبش اجتماعی مانند وحدت، تعداد، ارزشمندی و تعهد را داراست. هویت افراد شرکت‌کننده در یک همگستگی بزرگ بازتولید شده و آنها خویش را در ذیل عناوین کلی با مرجعیت امام حسین (ع) قرار می‌دهند (غفاری هاشجین، ۱۳۹۷: ۱۷). البته باید به این نکته توجه داشت که نشانه‌های نمادین محرم را نه در ابزارهایی که به کار گرفته می‌شوند؛ بلکه باید در فلسفه کلی آن یافت. ماهیتی عظیم که یادآوری و تکرار آن باعث خلق رفتارها و آیین‌های گوناگون شده و در بستر اجرای این آیین‌ها، رفتارهای جمعی را به وجود آورده‌اند. رفتارهایی که با بسیاری از ابزارها، اشعار، آوازه‌ها و خوانش‌ها، به صورتی نمادین، منویات درونی و تعلقات هویتی را بیان کرده و در این راه از نور و رنگ، شعر، موسیقی، نمایش، نذر و نیاز کمک می‌گیرند (آنی زاده، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

همان‌طور که اشاره شد؛ از نظر اسکینر برای فهم متون باید به زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها توجه شود. به همین دلیل است که واقعه کربلا که در طول تاریخ وسیله‌ای برای عزاداری بوده است و معنایی فراتر از این نداشته است؛ وجه دیگری پیدا می‌کند. بدین ترتیب و در طول یکصد سال اخیر برداشت شیعه از بسیاری از این مفاهیم به تدریج عوض می‌شود و متناسب با تغییر ساخت سیاسی قدرت، دچار تغییر تفسیر می‌شوند. بخشی از این تغییر به دنبال آگاهی مردم و برخی دیگر نیز مربوط به تحولات سیاسی - اجتماعی در جامعه است. در کنار این عوامل نباید از نقش اجتهاد یعنی ابزار

کارآمدی و به روز رسانی تشیع غفلت کرد که نتیجه همه این فرایندها کنار گذاشتن رضا به تقدیر و سرنوشت و رهنمون شدن به سمت و سوی مبارزه و عمل بود (عنایت، ۱۳۷۷: ۴۸). در ادامه فرایند کنترل و ترویج افکار در مرحله پنجم هرمنوتیک اسکینر، در انقلاب اسلامی ایران نباید از نقش مساجد غفلت نمود. به همین دلیل است که در حکومت جمهوری اسلامی ایران مسجد هیچ‌گاه فقط محل عبادت نبوده است و در دوره‌های مختلف قبل و بعد از انقلاب اسلامی در کلیت ساختار سیاسی، اجتماعی کشور و در ساحت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و آموزشی و... ورود یافته (فرخی، ۱۳۹۴: ۱۹۹) و توانسته در هنگام پیروزی انقلاب نقش مهمی ایفا کند. همچنین در دوران پس از انقلاب و در سال‌های اولیه نیز در تثبیت انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی و مسائل مختلف روز کشور به نقش آفرینی پرداخته است.

نتیجه‌گیری

تاریخ ۱۴۰۰ ساله تمدن اسلامی شاهد ظهور و بروز دولتهای اسلامی متعدد بوده است. تمامی این دولت‌ها منتسب به اسلام بوده و بر اساس متن واحد که قرآن است و بر اساس سیره پیامبر شکل گرفته‌اند؛ اما آنچه که تفاوت آنها را توجیه می‌سازد؛ تفاوت تفسیر آنها از این متن واحد است. تفاوت شیعه و سنی در لحاظ ائمه علیهم السلام یا صحابه در زمره منابع دینی، نیز باز به تفسیر متفاوت از قرآن و احادیث نبوی باز می‌گردد. در این نوشتار از منظری به‌طور عمده هستی‌شناختی و کمتر ارزش‌شناختی، به تفسیر نظام جمهوری اسلامی ایران از متون دینی توجه شد. برای وجه روشی این امر از هرمنوتیک اسکینر مدد گرفته شد. روش اسکینر این ظرفیت را دارد که زوایای پنهان تغییر تفسیر متون تاریخی را تبیین سازد. از منظر این هرمنوتیک برای فهم اندیشه‌های یک اندیشمند و کشف معنای متون باید گفتمان سیاسی مسلط زمانه وی را شناخت و در این میان قصد و نیت مؤلف را در ارتباط با گفتمان مذکور فهمید. با توجه به مراحل پنج‌گانه اسکینر در مرحله اول تردید در ارزش‌های هنجار مرسوم زمانه توسط نیروهای مخالف رژیم پهلوی مشاهده می‌شود. امام خمینی (ره) با طرح نظریه ولایت فقیه، ایدئولوژی حاکمیت که پادشاهی است؛ را به چالش کشید. در مرحله دوم و سوم و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، هنجار مرسوم زمانه که تغییر یافته است؛ توسط ساخت سیاسی قدرت تقویت و تثبیت می‌شود. استعفای دولت موقت، استیضاح

دولت بنی صدر و خروج وی از کشور، تشکیل شورای انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها را می‌توان اقداماتی در این جهت دانست. در مرحله چهارم واژگانی به کار گرفته می‌شود تا ضمن توصیف ایدئولوژی جدید، با خود نوعی ارزش گذاری را نیز ترویج می‌کند. به همین دلیل در این مرحله با واژگانی چون تعهد، وظیفه، اسلام ناب، شهادت، مستضعفان، مستکبران، عاشورا، ولایت فقیه و... مواجه است. در نهایت در مرحله پنجم اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی ابزارهای ترویج افکار را در اختیار می‌گیرند؛ تا تحول ایدئولوژیک مذکور به هنجار مرسوم تبدیل شود. به این ترتیب نظام جمهوری اسلامی ایران با نقد گفتمان‌های رقیب همچون تجددگرایی، چپ‌گرایی و پادشاهی، با بازتفسیر متون دینی به دنبال ایجاد یک هنجار مرسوم نوین، مبنای نظری لازم را برای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخت.

منابع

کتاب فارسی

- احمدی، بابک. (۱۳۷۳). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*. تهران: نشر مرکز.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات پیام.
- بخشی، محمد (۱۳۸۱). *راهنمای انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*. تهران: آدنا.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹). *تجربه مدرنیته*. ترجمه: مراد فرهاد پور. تهران: نشر طرح نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.

- بلایشر، ژوزف (۱۹۸۴). گزیده هرمنوتیک معاصر. ترجمه سعید جهانگیری، آبادان: پرسش.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶). جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۲). تمدن و تجدید؛ جمشید بهنام و رامین جهانگللو. تهران: نشر مرکز.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خلجی، محمد تقی (۱۳۷۸). تشیع و انتظار. قم: انتشارات شفق.
- رحمان زاده، صمد (۱۳۵۳). ایدئولوژی های چپ و جنبش های مارکسیستی معاصر. تهران: سکه.
- زارع قراملکی، محمد (۱۳۸۹). اصول تفکر سیاسی در قرآن. تهران: کانون اندیشه جوان.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). فربه تر از ایدئولوژی. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶). روشهای تأویل قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صانعی، یوسف (۱۳۶۴). ولایت فقیه. قم: نشر الهادی.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۹۰). قرآن، مدیریت و علوم سیاسی. مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عزتی، ابوالفضل (۱۳۷۴). اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی. تهران: هدی.
- فضلی، عبدالهادی (۱۳۷۲). در انتظار امام (ع)، حیات و غیبت: ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی. ترجمه حبیب روحانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فی، برایان (۱۳۸۶). فلسفه امروزیین اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نشر نی.
- گنجی، اکبر (۱۳۷۵). سنت، مدرنیته، پست مدرن. چاپ: طلوع آزادی.

- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۱). *ملاحظاتی بر چالش های فقه سیاسی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرسلیم، سید مصطفی (۱۳۸۹). *جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- وینسنت، آندرو (۱۳۷۸). *ایدئولوژی های مدرن سیاسی*. ترجمه مرتضی ناقب فر، تهران: ققنوس.

مقالات فارسی

- اسدی، مرتضی و احمد نادعلیان (۱۳۹۲)، « بررسی تأثیر ایدئولوژی و تفکر سیاسی در به کارگیری عناصر تصویری در آثار نقاشی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی نگره*، شماره ۲۵، بهار ۹۲.
- اسفندیاری، سیمین و پرستو غلامی (۱۳۹۴)، «هرمنوتیک و فهم متن از نگاه گادامر و شهید مطهری»، *اشارات*، پاییز و زمستان، شماره ۴.
- اسماعیلی، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۵)، « جایگاه تحلیل گفتمان در بررسی اندیشه انقلاب اسلامی؛ مقایسه با چارچوب تحلیلی ایدئولوژی»، *جامعه شناسی تاریخی*، دوره ۸، شماره ۱.
- اکبری دهقان، محمد سعید و وحید پاشایی (۱۳۹۷)، «نگرش تطبیقی به خوانش متن از دیدگاه شلایر ماخر و سید مرتضی»، *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ۱۸ (۱)، صص ۱-۲۰.
- آنی زاده، علی (۱۳۸۹)، « جلوه های نمادین عزاداری ماه محرم در مناطق مختلف ایران»، *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، شماره ۲۲ و ۲۳.
- بصیری، محمدعلی، عبدالرحمن افشاری، داود نجفی (۱۳۹۵)، «اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره یازده، صص ۴۹-۶۵.
- جوانی، حجت الله (۱۳۸۴)، «هویت دینی با هویت های دینی»، *دوفصلنامه اسلام پژوهی*، شماره اول.

- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۸۹)، «مبانی بینادذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول.
- رضایی پناه، امیر و رجب ایزدی (۱۳۹۲)، «ریشه یابی گفتمان پهلوی یکم در آرای متجددین عصر مشروطه»، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم.
- رهدار، احمد و علی فقیهی (۱۳۹۲)، «مناسبات فقه و سیاست از منظر سه دیدگاه وکالت، نظارت و ولایت فقیه با تأکید بر دوره معاصر»، حکومت/اسلامی، سال هجدهم، شماره سوم.
- ساجدی، ابوالفضل، مرتضوی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۳)، واکاوی گونه‌های دخالت ذهنیت راویان در فهم حدیث، فصلنامه علمی علوم حدیث، (68) 18, Ulum-i Hadth .
- طاهری، مهدی و رسول حکمی شلمزاری (۱۳۹۶)، «سیر تحول و تکامل فقه سیاسی در ادوار تطور فقه سیاسی شیعه»، حکومت/اسلامی، سال بیست و یکم، شماره چهارم.
- عنایت، حمید (۱۳۷۷)، «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه و تلخیص امیر سعید الهی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۷-۱۳۸.
- غفاری هنجین، زاهد و محمد آقایی (۱۳۹۷)، «پیاده روی اربعین حسینی به مثابه یک جنبش»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول.
- فرخی، میثم (۱۳۹۴)، «واکاوی سیر سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در دهه دوم انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۶۸): تحلیل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره هجدهم.
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۵) «بررسی آثار اسکینر و کاوشی در نقد وی بر متلوزی قرائت زمینه‌ای»، قبسات، سال یازدهم.
- مولوی، محمد و محمد حسن شاطری (۱۳۹۷)، «تحولات تفسیر قرآن در مذهب شیعه در عصر صفوی»، شیعه پژوهی. سال چهارم، شماره چهاردهم.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۶)، «نظریه انتقادی نو، نظم دموکراتیک مشورتی و الگوی مردم سالاری دینی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم شماره اول، ص ۲۲۶-۱۹۳.

- هرسیج، حسین و سیده مطهره حسینی (۱۳۸۸)، «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.

مقالات انگلیسی

- Algar, H. (1983). *The roots of the Islamic revolution*. London: Open Press.
- Ayubi, N. (2003). *Political Islam: religion and politics in the Arab world*. Routledge.
- Brandis, D. A. (2009). *The 1979 IRANIAN REVOLUTION: the revolutionary revolution*. A Thesis Submitted to The Honors College in partial fulfillment of the bachelors degree. The UNIVERSITY OF ARIZONA, May.
- Hamzeh, A. N. (1993). Lebanon's Hizbullah: From Islamic revolution to parliamentary accommodation. *Third World Quarterly*, 14(2), 321-337.
- Lewis, B. (2018). *The political language of Islam*. University of Chicago Press.
- Matin, K. (2013). International relations in the making of political Islam: interrogating Khomeini's 'Islamic government'. *Journal of International Relations and Development*, 16(4), 455-482.
- Murray, D. (2009). *US foreign policy and Iran: American-Iranian relations since the Islamic revolution*. Routledge.
- Schmitt, C. B., Krayer, J., Kessler, E., & Skinner, Q. (Eds.). (1990). *The Cambridge history of Renaissance philosophy*. Cambridge University Press
- Skinner, Q. (1969). Meaning and Understanding in the History of Ideas. *History and theory*, 8(1), 3-53.
- Skinner, Q. (1972). Motives, intentions and the interpretation of texts. *New literary history*, 3(2), 393-408.

- Skinner, Q. (1978). *The foundations of modern political thought Volume 1: the age of reformation*. United kingdom: Cambridge University Press.
- Skinner, Q. (2000). *Machiavelli: A very short introduction*. OUP Oxford.
- Skinner, Q. (2002). *Visions of Politics*. Volume 1: Regarding Method. Cambridge: Cambridge University Press. DOI: 10.1017/CBO9780511790812.
- Skinner, Q. (2004). *The foundations of modern political thought Volume 2: the age of reformation*. United kingdom: Cambridge University Press.
- Skinner, Q. (2012). *Liberty before liberalism*. Cambridge University Press.
- Skinner, Q. (2018). *From humanism to Hobbes: studies in rhetoric and politics*. Cambridge University Press.
- Tully, J (1988). *Meaning and Context: Quentin Skinner and His Critics*. Princeton: Princeton University Press Centenary.
- Wedemeyer, C., & Doniger, W. (2010). *Hermeneutics, Politics, and the History of Religions: The Contested Legacies of Joachim Wach and Mircea Eliade*. Oxford University Press.
- Wedemeyer, C., & Doniger, W. (2010). *Hermeneutics, Politics, and the History of Religions: The Contested Legacies of Joachim Wach and Mircea Eliade*. Oxford University Press.
- Wensheimer, J. C. (1985). *Gadamer's Hermeneutics: A reading of Truth and Method*, New Haven and London.
- Wittgenstein, L., & dos Santos, L. H. L. (1994). *Tractatus logico-philosophicus*. Edusp.